##  بسم الله الرحمن الرحیم

## پرسش:چرا کافر نجس است؟مگر سلول های بدن او با دیگران تفاوت دارد؟

## پاسخ:مگر نجاست در اسلام مانند بقیه احکام سعادت بخش دارای انواع مختلف حکمت،فلسفه و علت است که نمی توان آن را به یک علت و فلسفه منحصر نمود[مگر دلیل خاص بر انحصار باشد]بنابراین علت نجاست کفار ممکن است یکی از علل زیر باشد:

## 1.برای این باشد که او را وادار به بحث و تحقیق نماید که اسلام می گوید یا منطق مرا بپذیر و یا رد کن و یا از دیدگاه این مکتب تو نجس هستی.

## 2.برای حفظ عقاید مذهبی مردم مسلمان و مصون ماندن افکار و آرای صحیح دینی آنان از دست برد کفار و مشرکین،که مسلمانان را از آن برخوردار داشته اند که مبادا تحت تأثیر افکار و عقاید غلط آنها واقع شوند

## 3.ممکن است کفر و شرک و همچنین ایمان در بدن انسان و آنچه در اطراف اوست اثر بگذارد به طور مثال:

##  چند نمونه از تأثیر تقدس روح در جسم و اطراف

## 1.پیامبر اکرم از مسافرت برگشتند وقتی به خانه آمدند چون[کنار دیوار منزل] نوری را مشاهده کردند فرمودند:کسی به خانه ما آمده است؟عرض کردند جوانی از یمن به نام اویس بود و سلام رسانده و رفت.حضرت فرمودند:آری این نور اویس است که در خانه ما هدیه گذاشته است.

## 2.پوستین شیخ انصاری را پس از فوت آن بزرگوار روی هر مریضی می انداختند بهبود می یافت.

## 3.نماز خواندن در حرم انبیاء و اولیاء و صالحین و عابدها حتی در زمانی که زنده هستند مستحب است.

##  چند نمونه از تأثیرِ کثیفی روح در جسم و اطراف:

## 1.نُه چیز بر جنب مکروه است:اول و دوم:خوردن وآشامیدن.

## 2.حضرت صادق می فرماید:شخص جنب قبل از شستن دست ها و مضمضه کردن چیزی نخورد؛زیرا ممکن است به مرض پیسی گرفتار شود.

## 3.از علتِ درختی که خشک شده ازامام هادی سوال شد.حضرت فرمودند:در کنار آن استخوان مردی گناهکاری دفن شده است زمانی که در اطراف آن جست و جو کردند آن استخوان را پیدا کردند.

## پرسش:فلسفه ی این که پیروان ادیان و خلاصه(کفار)از نظر اسلام ناپاک هستند ومسلمانان نمی توانند با آنها آمیزش و معاشرت کامل کنند چیست؟در صورتی که از نظر نظافت و رعایت بهداشت از بعضی از مسلمانان بهترند و بدیهی است این پاسخ که ممکن است آمیزش با آنها انحراف فکری ایجاد کند واحیاناً با بحث و گفت وگو و سفسطه مسلمانی را گمراه سازند و یا از طریق«بایکوت کردن» می توان غیر مسلمانی را به اسلام متوجه ساخت؛خطاست و باید این حربه را کنار گذاشت؛زیرا اسلام دین روشنفکران است نه چشم وگوش بسته ها؟!

## پاسخ:درست است که آیین اسلام،دین روشنفکران است نه چشم و گوش بسته ها؛ولی اگر منظور این است که اسلام تعلق به دسته خاصی دارد بدیهی است که چنین نیست و اسلام دین همه ی افراد انسانی است و اگر هدف این است که روشنفکران و افراد مطلع از تعلیمات عالی اسلام بهره ی بیشتری می برند مطلب صحیحی است؛ولی دلیل بر این نمی شود که اسلام در قوانین خود افراد کم اطلاع یا بی سواد را از نظر دور داشته باشد و رعایت حال آن ها را ننموده باشد.اکنون برمی گردیم به اصل پرسش:ناپاک بودنِ کفار مسلماً یک نوع ناپاکی معنوی و آلودگی باطنی است که آثار آن در جسم آن ها هم رعایت شده است و یک فایده آن همان حفظ عقاید بسیاری از مردم می باشد که با آمیزش و معاشرت با افراد منحرف و گمراه به زودی تحت تأثیر قرار می گیرند و منحرف می شوند و این مطلب تازگی ندارد،همیشه مصلحین به افراد معمولی مردم سفارش می کنند که از معاشرت با افراد آلوده و منحرف دوری کنند؛منتهی اسلام این موضوع را به صورت حکم«ناپاک بودن کفار»بیان کرده است.

## از طرفی ملاحضه میکنیم اسلام روابط اقتصادی وتجاری و امثال آن را با کفار با شرایط معیّنی اجازه داده اما اجازه نداده که رفیق سفره کاسه شوند؛یهنی هم خواسته از منافع آنها بهره مند گردند و هم از ضررهای عقیدتی و اخلاقی آنان که لازمه ی معاشرت کامل برای بسیاری از مردم است درامان بمانند.اشتباه نشود ما نمی گوییم افراد روشنفکر با اطلاع که خطر انحراف و گمراهی و فساد اخلاق بر اثر آمیزش با کفار در خود نمی بینند می توانند با آن ها معاشرت کامل داشته باشند و از این حکم مستثنا هستند،نه احکام اسلام جنبه خصوصی ندارد و برای اینکه حدود آن محفوظ بماند باید عمومیت داشته باشد چه این که در غیر این صورت هرکس به عنوان اینکه خود را از اهل اطلاع می داند و از همنشینی با کفار خطر انحراف در خود نمی بیند با آمیزش پیدا می کند و به کلی قانونِ حریم شکسته می شود(دقت کنید)

## پرسش:چرا مسلمان نباید با کلیمی و مسیحی دست بدهد؟و مصافحه نماید؟و اگر دست داد باید دست خود را آب بکشد وچرا نباید با آن ها هم غذا شود و یا با آنان ازدواج نماید؟مگر حضرت موسی و حضرت عیسی پیغمبران برحق نبودند؟

## پاسخ:حضرت موسی و حضرت عیسی پیغمبر بر حق بودند و بعد از آنان حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم نیز بر حق می باشند؛ولی کلیمی و مسیحی،حضرت محمد را انکار می کنند و می گویند نیست؛پس بدین جهت است که نتوان دوستی نمود با کسانی که دشمن پیغمبر اسلامند و دختر آنها را بر حسب قانون شرع می توان به ازدواج موقت اختیار نمود ولی به پسر آنها نتوان دختر مسلمان را تزویج کرد،قانون دین اسلام این است ،علاوه بر این که شرافت دختر مسلمان را زیر دست اجنبی قرار داد.